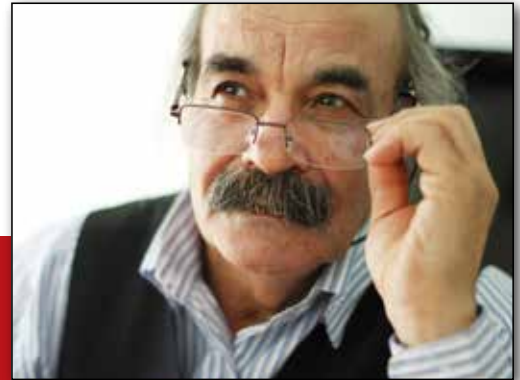




خسرو
امیرحسینی

بر سر حقوق کروری چه می گذرد



پنج فرزند و دو نوه دختر و پسر جمع خانواده یک بازنشسته از مرکز اسناد و مدارک علمی وزارت علوم آموزش عالی است که از لطف یارانه کم بهره و از داشته سهام عدالت نیمه محروم با حقوق یک کرور بخوانیدش چه کند؟

خانواده های ساکن در بالای شهر درآمدی بیش از هشت میلیون تومان دارند. متوسط درآمد ماهانه ۱۲ میلیون تومانی در شمال شهر برای خانواده چهارنفری و با احتساب شاغل بودن یک نفر در خانواده است.

البته نباید فراموش کرد درآمد تمام خانواده های ساکن در این مناطق چند میلیونی نیست و خانواده های ساکن روستاهای دیروز را که پس از توسعه شهر در زمره شمال شهر نشینان قرار گرفته اند، باید از این فهرست جدا کرد.

به هر حال درآمد سالانه یک خانواده چهار نفری با احتساب شاغل بودن یک فرد سالانه به بیش از ۱۴۴ میلیون تومان می رسد. درآمد ماهانه یک خانواده چهارنفری در پایین شهر اما به شرط شاغل بودن دو نفر در خوشبینانه ترین حالت به ۷۰۰ هزار تومان می رسد.

بر همین اساس درآمد سالانه یک قشر تنها هشت میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خواهد بود. بر همین اساس هزینه های بهداشت و درمان از جمله هزینه هایی است که می تواند خانواده با درآمد و هزینه متوسط را به یکباره به زیر خط فقر سوق دهد.

متوسط هزینه بهداشت و درمان سالانه یک خانواده چهار نفره در جنوب شهر (هزینه های پزشکی جاری و بدون احتساب دندانپزشکی، بیماری های خاص و جراحی) نزدیک به یک میلیون تومان است چرا که در بسیاری از مواقع افراد به واسطه هزینه های سنگین از مراجعه به پزشک خودداری کرده و به خوددرمانی روی می آورند.

متوسط هزینه های درمان خانواده های شمال شهر اما صرف نظر از هزینه های دندانپزشکی، بیماری های خاص و جراحی به بیش از ۱۵ میلیون تومان می رسد.

تحصیل در تهران اما قیمت هایی به مراتب شنیدنی تر دارد. هزینه ۱۸ میلیون تومانی برای تحصیل یک دانش آموز دبیرستانی شاید در نگاه اول چندان هم زیاد نباشد ولی زمانی که این میزان هزینه برای تحصیل یک دانش آموز (شامل هزینه های سرویس رفت و آمد، معلم خصوصی، نوشت افزار و ثبت نام) را در کنار هزینه یک میلیون تومانی برای یک دانش آموز دبیرستانی در جنوب شهر قرار می دهند و میزان ورود به دانشگاه های طراز اول و دولتی در این مناطق را با هم مقایسه می کنید، این رقم بسیار زیاد و آزاردهنده نشان می دهد.

به هر حال چگونه تحصیل کردن در شمال شهر یکی از مولفه های مهم محسوب می شود، مولفه هایی که موجب ازدیاد مدارس غیرانتفاعی و معلم خصوصی شده است. بررسی هزینه های تغذیه در مناطق یاد شده اما نتایج جالبی دارد شیوه تغذیه در شمال شهر

(دخل و خرج) دخلی که برای کارگران وابستگی بالایی به دستمزدها دارد و خرج هم که این روزها سنگینی آن قامت اکثر کارگران را خمیده تر از گذشته کرده است. افزایش چندباره قیمت ها پس از هدفمندی و با تأثیرپذیری قیمت کالاهای اساسی و مصرفی از نوسانات نرخ ارز این سنگینی را دوچندان کرده است و به نظر می رسد قیمت ها دیگر خیال رام شدن ندارند.

خط فقر یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومانی اعلام شده (غیررسمی) برای کارگران و به شماره افتادن نفس این قشر نیز مفهومی جز اینکه کارگران بازندگان اصلی خواهند بود ندارد.

نگاهی به شرایط اقتصادی و سید هزینه خانوارها در شمال و جنوب شهر شاید بتواند تصویر شفاف تری از وضعیت این روزهای قشر کارگر و متوسط رو به پایین جامعه ارایه دهد.

بر اساس این گزارش متوسط قیمت خرید مسکن در شمال شهر تهران برای هر متر مربع هفت میلیون تومان است. اگر از شنیدن این قیمت تعجب کردید، باید بدانید این روزها در مناطق خوش نشین شهر قیمت ها سر به فلک کشیده اند و در بسیاری از موارد قیمت ها توافق شده و از منطق پیروی نمی کند.

مصالح استفاده شده و امکانات جانبی مهم ترین مولفه های تعیین قیمت مسکن در این مناطق هستند؛ مناطقی که در آنجا آپارتمان با عمر بیش از ۳۰ سال مترمربعی ۳۵ میلیون ریال قیمت می خورد.

اگر گذرتان به اژانس های معاملات ملکی در کامرانیه، فرمانیه، نیاوران، فرشته، محمودیه، مقصدوبیک، باغ فردوس یا زعفرانیه افتاد. اما دگی شنیدن ۳۰ میلیون تومان برای هر متر مربع از یک آپارتمان لوکس را داشته باشید. در طرف مقابل و مناطق جنوب شهر اما قیمت هر متر مربع آپارتمان نزدیک به یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برآورد می شود.

اجاره خانه نیز از جمله هزینه هایی است که به تنهایی قسمت اعظم یا تمام درآمدهای ماهانه را می بلعد. متوسط ۱۵ میلیون تومان رهن یک واحد ۶۰ متری در جنوب شهر در حالی است که واحدی به همین مترها در شمال شهر ۷۰ میلیون تومان رهن داده می شود.

داستان رهن در مناطق خوش نشین همچون خرید است و میزان رهن براساس امکانات طبقه و چشم انداز تعیین می شود. با در نظر گرفتن موارد ذکر شده می توان گفت متوسط ۷۰ میلیون تومانی برای رهن یک واحد ۶۰ متری در شمال شهر تنها برای واحدهای معمولی و نوساز است.

بر اساس این گزارش بررسی ها نشان می دهد اکثر

پنج فرزند و دو نوه دختر و پسر جمع خانواده یک بازنشسته از یک مرکز که از لطف یارانه کم بهره و از داشته سهام عدالت نیمه محروم با حقوق یک کرور بخوانیدش چه کند؟! خدا رحمت کند امیرکبیر را در گزارش به پیشگاه همایونی می فرمایند هزینه این کار زیر بنایی چندکرور می شود که نه در خزانه کاهی و نه در سینه آهی چه باید کرد؟! اگر آن نخست وزیر ناصری امروز می بود اولین کسی که به حضورش شرفیاب می گشت بنده بودم با این یک کرور حقوق ماهیانه و به عرض می رسانم عالیجناب این یک کرور حقوق ماهیانه بنده برو و آن فرمان سلطانی را انجام بده و برای من دعای خیر که ما را هم نه در چنته کاهی و نه در سینه آهی شب پیش نفس در سینه به سختی می رفت و می آمد و من در فکر امیرکبیر و یاد و خاطره آن مرد بزرگ که ستایش می کنیم به خاطر رزینی ها و درایتش در مهم مشکلات او را می ستایم برای شجاعت اش او را ارج می نهم و به خاطر تمام مصائبی که متحمل شد بزرگش می پنداریم. جناب میرزاتقی فرزند آتش باشی ما را ببخش که حاکمان آتروز ظرافت پذیرش سخنان تو را نداشت روح شاد ای بزرگ مرد این نیمه شب این تن رنجور و نفس تنگ در سینه به تو و تمام کرده هایت از مسند نشینی تا تکف حمام فین سلام و درود می فرستم و ای کاش قطره ای از خون تو ذره ای از وجود تو می بود. برویم سر اصل مطلب بازنشسته در مرکز علمی یعنی هیچ. سازمانی که نه می داند نه می خواهد به پیشینیان خود حرمت گذارد و به آنها به اندیشد در سازمانی که احسان نراقی، محمد مقدم، دکتر اعتماد و در آخر دکتر غریب بدان غنا بخشیده اند این نیست که بازنشسته آن، این باشد که هست که بازنشسته که حقوق از سازمان بازنشستگی می گیرد و عمر کاریش هم تمام پس نیست؟! این یک بام چند هوا ما را کشت یک سازمان به بازنشسته خود نخود لوبیا می دهد و آن دیگری بن بنشن اعتبار و زیارت عتبات در این سازمان هیچ خبری نیست که نیست شاید بخت بد من است که پای هیات علمی پژوهشگران کتابداران بنام این مرکز که نادرند که دوران گرفته باشد این نیز بگذرد و بروم به آن جا که باید رفت دید که بر سر حقوقهای یک کروری چه می گذرد.

پیشی گرفتن خرج از دخل، این اتفاقی است که این روزها به واسطه نوسانات نرخ ارز و افزایش بیش از صد درصدی قیمت ها در جامعه رخ داده و مردم را در تنگنای معیشتی قرار داده است. در این آشفته بازار اما هستند افرادی که این نوسانات و افزایش قیمت ها نه تنها وضعیت اقتصادی آنها را به چالش نگشوده است بلکه میزان ثروت آنها با این نوسانات رشد کرده است.



بسیار متفاوت تراز سایر نقاط است. متوسط هزینه خوراک یک خانواده چهار نفری در تجمعات به سه میلیون تومان در ماه می رسد. هفته ای چند وعده غذا در رستوران و پرکردن سبد غذایی با مواد لوکس از جمله لایستر و خاویار کافی است تا سالانه به طور متوسط ۳۶ میلیون تومان هزینه تغذیه یک خانواده چهار نفره شود.

این هزینه در شمال شهر برای تغذیه یک خانواده چهار نفری در حالی است که این میزان در جنوب شهر ماهانه به طور متوسط ۶۰۰ هزار تومان است. خلوت بودن سبد غذایی و حذف آرام گوشت و مرغ از آن نیز نتوانسته تاثیری در میزان هزینه سالانه تغذیه یک خانوار چهار نفره بگذارد و در حال حاضر این رقم به هفت میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسیده است.

برای دگر روز چیزی بنه! همینطور که عدد تقویم بالاتر می رود و به آخر ماه می رسیم، کفگیر ماه هم ته دیگ می خورد و خدا نکند ماهی زودتر از اینکه تمام شود، درگیر بی پولی شوی. دیگر شرایط به گونه ای است که اگر حواست به حساب کتاب نباشد، قافیه را باخته ای و باید پول قرض بگیر و منتظر باشی عدد روی تقویم دوباره یک شود. اما بدان که « دست طمع چو پیش کسان می کنی دراز، پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش »

برای برنامه ریزی مالی هم هیچ وقت دیر نیست. اگر قصد داری با حساب و کتاب خرج کنی تا اندوخته ای هم داشته باشی به توصیه های دکتر غلامرضا کیامهر، اقتصاددان عمل کن.

وقتی نگاهی به ادبیات کهن می کنیم، با وجود مثالها و حکایات بسیار، متوجه میشویم ایرانیها همیشه نگران متوازن بودن دخل و خرجشان بودند. شاهدش هم کلام سعدی بزرگوار است: « بر احوال آن مرد باید گریست که دخلش بود ۱۹ خرج ۲۰ ».

این موضوع هم درباره خانوار و هم درباره مملکت صدق میکند. بودجه کشور اگر دخل و خرجش نخواند باید از بانک مرکزی قرض بگیرد، خانوار هم باید دست دراز کند و بدهکار شود.

متعادل بودن درآمد دغدغه ای عمومی است. همه خانواده ها دوست دارند درآمدشان به گونه ای باشد که چیزی برای روز مبادا کنار بگذارند. منظور از مبادا هم اتفاقی است که رخ میدهد اما معلوم نیست چه زمانی؟

به هر صورت حیوانات و حشرگان هم در لانه و آشیانه خود مقداری از آذوقه را برای زمستان و فصل بی غذایی پس انداز میکنند. بنابراین این امر به عنوان یک اصل در آفرینش پذیرفته شده است و تکلیف آدمی مشخص است. اما نمیشود نسخه واحدی برای تمام خانوارها پیچید تا برای متعادل کردن دخل و خرجشان و پس انداز کردن از آن پیروی کنند.

برای تعیین رهاکار باید مشخص باشد خانواده در چه شهری، چه تعداد افرادی، مستاجر و یا صاحب خانه با چه تعریفی از رفاه زندگی میکند. در حال

حاضر تعریفی که از زندگی در دنیا وجود دارد محدود به رفع نیازهای اولیه نیست و معنای والاتری پیدا کرده است.

اما اگر یک خانواده ۴ نفره با یک نان آور درکلان شهر تهران که خط فقر در خوشبینانه ترین حالت یک میلیون تومان درآمد در ماه است را در نظر بگیریم، با نگاهی به سطح عمومی قیمت انواع گوشت، حبوبات، برنج، روغن و... که حاصل آن تبدیل به غذا میشود و اتفاقا اجاره نشین است و ۵۰۰ هزار تومان هم بابت اجاره خانه میپردازد، این خانواده حداقل به یک میلیون تومان احتیاج دارد تا اول ماه را به آخر ماه برساند.

این خانواده باید برای خوراک، گاز، برق، آب، تلفن، پوشاک و سقفی برای خواب پول بپردازد. مبلغی را هم باید برای هزینههای درمانی پیش بینی نشده کنار بگذارد اما در تعریف زندگی امروز باید در سال یا دو سال یکبار یک سفر خارج از کشور داشته باشد تا خلقت را ببیند. نگویم سفر برای پولدارهاست زیرا تنها سفری که برای متمولین واجب شده سفر حج است. هر انسانی دوست دارد به سفر برود ولی این خانواده نمیتواند مسافرت کند.

در بخش دیگر تعریف زندگی امروز هزینه برای فرهنگ است. اما خانواده ای که پولی برای تفریح ندارد، به خرید فرهنگی هم فکر نمیکند. اگر فرزندان هم محصل باشند هزینه تحصیل آنان نیز اضافه میشود. بنابراین از این خانواده نباید توقع پس انداز داشته باشیم.

قناعت توانگر کرد مرد را

شخصا به قناعت اعتقاد دارم. اما مطالبات خانوار امروز زمین تا آسمان با اجداد ما فرق دارد. وسایل ارتباط جمعی اطلاعات را منتقل میکنند و مطالبات ایجاد میشود. تبلیغاتی که مطالبات ایجاد میکنند ولی ما توان به دست آوردن آنها را نداریم باعث میشود تا دچار مشکلات روحی و روانی و اجتماعی شویم.

پدر و مادر با این شرایط کنار می آیند ولی جوان میبیند تفریحات وجود دارد اما درآمد خانواده اجازه نمیدهد از این تفریحات استفاده کند. همینطور با توجه به تورم، همیشه فاصله ای بین درآمد خانواده و هزینه ها وجود دارد. همانطور که اشاره شد از این خانواده نمیتوان انتظار پس انداز داشت. البته در شیوه ریاضتی یا زندگی به شکل حذفی، هر سال یا هر ماه زیر فشار هزینه ها و تورم مصرف یک چیزی را از سبد حذف میکنیم. اما این حذف کردنها خط قرمز دارند و نباید به سلامت خانواده ضرر برساند. به عنوان مثال مصرف شیر را نباید حذف کرد. اما اگر هر دو ماه یکبار سینما رفتن ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان (به علاوه شام و هزینه رفت و آمد) خرج دارد، حذف میشود. ولی اینجا ارتباط با فرهنگ قطع میشود. به فیلمساز و اقتصاد سینما هم ضربه میخورد.

متأسفانه قدرت خرید خانوار اگر پایین بیاید، تولیدکنندگان محصولات فرهنگی، مصرفی و صنعتی ضرر میکنند. در حال حاضر ۷۰ درصد خانوارها قدرت خرید پایین دارند. بنابراین با نصیحت کردن نمیتوان نسخه عملی تهیه کرد. اما

این خانواده میتواند چندکار انجام دهد: صرفه جویی، هزینه برق را کاهش دهد. از لامپ و وسایل کم مصرف استفاده کند. آب را تلف نکنید.

نمیتوانیم بگویم گوشت و مرغ نخیرد اما میشود لباسها را دیر به دیر عوض کرد و لباس نو خرید. هزینه به خودتان تحمیل نکنید. کسی نمیگوید جوراب وصله دار بپوشید، کما اینکه قدیمیها میپوشیدند اما برای جوان امروز سخت است. اما میتوانید قناعت پیشه کنید.

بخورید، بیاشامید ولی اصراف نکنید. درصد بالایی از خانوار ایرانی دچار بیماری اصراف هستند. خانواده بالای خط فقر

روی صحبتمان بیشتر با این دست از خانواده هاست که یا ۲ نفر نان آور دارد و یا اینکه صاحب خانه است. اما متأسفانه این خانواده به راحتی پول بابت پیتزا میدهد اما به یک کتاب ۵ هزار تومانی میگوید گران است.

این خانواده ها با برج زیادی، خود را از لذتهای اساسی محروم میکنند. دیگر هزینه هایشان اجازه نمیدهد به سفر بروند و یا تفریح فرهنگی داشته باشند. به این دست خانواده ها پیشنهاد میکنم: درآمد اصلی و حاشیه ای خانواده تان را یادداشت کنید. درآمد حاشیه ای یعنی پاداش، اضافه کار، کمکهای غیرنقدی، عیدی و... همچنین اگر از سوی محل کارتان کمک غیر نقدی دارید آنها را نیز در نظر بگیرید.

برای خرید کردن باید بدانید چه میزان مصرف دارید. چندکیلو میوه در هفته مصرف میکنید؟ بیشتر از آن خرید نکنید. بسیاری از خانواده ها آخر هفته یا اول ماه خریدکلی میکنند و به دلیل اینکه نمیدانند چقدر مصرف دارند، به جای استفاده بهینه، منابع را اتلاف میکنند. دور ریختن میوه های کپک زده یعنی دور ریختن اسکناسها.

دیگر نمیشود مثل گذشته بی حساب و کتاب زندگی کرد. هزینه هایتان را سرفصل کنید. خورد و خوراک، پوشاک، حمل و نقل، تفریحات، محصولات فرهنگی و درمان، همه چیز باید مشخص باشد.

اگر این کار را بکنید سالی نسبتا کم تنش خواهید داشت. همچنین ۲۰ درصد تورم اگر داریم آن را در ماه های سال خورد کنید و به هزینه هر ماه اضافه کنید. باید نگرش اقتصادی داشته باشید. دفترچه یادداشتی داشته باشید و از سیر تا پیاز هزینه هایتان را یادداشت کنید.

در موارد ظریف اگر صرفه جویی کنیم میتوانیم درصدی را برای استفاده بهینه و روز مبادا پس انداز کنیم

فرزندانمان را درست تربیت کنیم. والدین به جای اینکه با قرض کردن به زرق و برق خانه شان برسند، برای فرزندشان الگو طراحی کنند. از او بخواهید بپذیرد شرایط خانواده اش با دوستش متفاوت است